

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۶ جون ۲۰۲۲

فریده نوری

په ځواب نامه سرگښاده

در سایت افغان جرمن انلاین به یک مضمونی برخوردیم تحت عنوان "نامه سرگښاده به رئیس جمهور فرانسه".

خواندن این نامه باعث تأثر می گردد، زیرا دیده می شود که وطن فروشی که تهداب آن توسط حزب نادمیکراتیک خلق و پرچم در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی گذاشته شد، ادامه دارد، غافل از این که به مناسبت همان وطن فروشی ست که تا به حال در وطن خون ریزی جریان دارد.

متأسفانه وطن فروشی به یک مرض مدعش، خطرناک و ساری مبدل، و دامنگیر یک تعداد فرزندان ناخلف این مرز و بوم که نام نامی اش افغانستان است، گردید است، که حتی حاضرند برای خدمتگزاری به بادران خود افغانستان عزیز را تجزیه و نام با افتخارش را تغییر بدهند.

به ادامه این مقدمه کوچک به سراغ نامه سرگښاده یک تعداد بی خبران خارجی و خارجیان داخلی نما (مؤرخ، فیلسوف، خبرنگار، عکاس، نویسنده). میروم تا از واقعیت های افغانستان، که با تعدادی از وطن فروشان یکجا شده نامه سرگښاده را عنوانی رئیس جمهور فرانسه مانند گداها ترتیب داده اند، آنان را باخبر سازم. این اشخاص خارجی و جیره خواران شان حتی از اوضاع حد اقل بیست سال اخیر یا هیچ نمی دانند و یا اگر کم و بیش واقف هم باشند، بدون این که به معضله افغانستان به صورت دقیق و عمیق فکر کنند، به اصطلاح خود را به کوچه حسن چپ زده و می خواهند با دزد دهن جوال را بگیرند.

باید علاوه گردد که بعد از به قدرت رسیدن طالبان در کابل، تعداد زیاد به اصطلاح افغانستان شناس، مؤرخ و خبر نگار و...، بازار شان رونق گرفته و هر هفته کنفرانس دایر می کنند و برای زن ها، افغانستان و قحطی و گرسنگی داد و فریاد می نمایند.

از این ها باید سوال شود که آیا همه این بدبختی ها به مجرد داخل شدن طالبان در کابل به وجود آمده است؟

باید سوال شود که حضور امریکا و متحدینش در این بیست سال اخیر با تجهیزات هنگفت نظامی، استخباراتی، دیپلوماتیکی، اقتصادی... چه نتیجه به ارمغان داشت؟

هشتاد فیصد مردم در فقر به سر می بردند، انواع و اقسام فساد بیداد می کرد، فساد اداری فغان مردم را به آسمان رسانده بود، وقتی برای کوچکترین معضله به ادارات مراجعه می شد با وجودیکه ادارات از پرسونل غیر فعال پر بود و مشغول نوشیدن چای و گفت و گو ها بین خود می بودند، با بسیار بی حرمتی شخص مراجعه کننده را برای چندین روز سرگردان می کردند. ناگفته نماند که تا رسیدن به دفتر مربوطه از چوکیدار گرفته تا مامور و رئیس باید برای شان شیرینی پرداخته می شد. این نوع مشکلات در تمام وطن و تمام عرصه ها موجود بود و دلیل بزرگ روی آوردن تعداد زیاد مردم به طالبان گردید.

اشخاصیکه نامه سرگشاده به رئیس جمهور فرانسه نبشته اند باید از وی می پرسیدند، که آقای رئیس جمهور شما (فرانسه) که یکی از اعضای برجسته و مهم ناتو می باشید و در افغانستان حضور نظامی، سیاسی، استخباراتی و دیپلوماتیکی داشتید و دم از دیموکراسی و حقوق بشر می زنید، در مدت حضور تان با دیگر متحدین تان چه دست آوردی داشتید؟

زمینه برای برگشت دوباره طالبان چرا مساعد شد؟

چرا با هزینه هنگفتی که اگر از آن برای بازسازی بنیادی افغانستان استفاده می شد، تا از یک طرف زیربنا های افغانستان آباد می گردید و از طرف دیگر برای همه مردم کار خلق می گردید، اوضاع این گونه می بود؟

اما به عوض آن پول های که برای احیای مجدد افغانستان و مردم آن بود در جیب چند نفر از تیکه داران که بقیه نفوس را گروگان گرفته بودند، افتاد.

اما اگر به جای رئیس جمهور فرانسه می بودم، در جواب نامه سرگشاده این آقایان می نوشتم که من مملکتی به نام خراسان نمی شناسم، و هم از کسانی که خود را خراسانی می شمارند می پرسیدم که شما در مورد کدام مملکت حرف می زنید؟

خراسان کجاست؟

من به این نام ها نه مملکتی را سراغ دارم و نه مردمی را.

باید علاوه شود که هستند تعداد فروخته شده به اجانب که در این خواب هستند که با خدمتگزاری برای بیگانه ها مفادی عاید حال شان می شود و شاید بر تخت قدرت بنشینند. غافل از این که یک مرتبه که این ها وطن را تجزیه نمودند و خاک مقدس افغانستان را به بادران خود تسلیم کردند، دیگر به وجود بی ننگ شان ضرورت نمی باشد.

پندی را که از حزب ناسیونالیستیک خلق و پرچم باید می آموختند که بادر شوروی شان وقتی دیگر به آن ها ضرورت نبود همه شان را مانند لاش مردار به دور انداخت.

در اخیر علاوه می نمایم که به غیر از فروخته شده ها، دیگر تمام اقوام شریف و نجیب افغانستان با هم برادر اند، و تا که یک نفر افغان از هرم قوم و قبیله ای که زنده باشد تجزیه و فروش افغانستان غیر ممکن و محال است.

تا یک نفر افغان است، زنده افغانستان است

تجزیه کشور ما ای مردمان محال است

استقلال – خپلواکی: " آدم بیکار، یا غر شود، یا بیمار "